

بررسی مقایسه‌ای ویژگی‌های شخصیتی، شرایط اجتماعی و اقتصادی دختران فراری و دختران غیرفراری

نویسندگان: دکتر کاظم رسول‌زاده طباطبایی*، دکتر محمدعلی بشارت**، مهناز بازاری***

* استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

** دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه تهران

*** کارشناس ارشد روان‌شناسی

چکیده

هدف از این پژوهش، بررسی مقایسه‌ای ویژگی‌های شخصیتی و شرایط اجتماعی و اقتصادی دختران فراری و دختران غیرفراری شهر تهران است. در این پژوهش، دو فرضیه مورد بررسی قرار گرفته است: (۱) نیمرخ شخصیتی دختران فراری متفاوت از دختران غیرفراری است. (۲) شرایط اجتماعی و اقتصادی دختران فراری متفاوت از دختران غیرفراری است. بدین منظور تعداد ۹۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند که از این تعداد، ۴۵ نفر دختر فراری و ۴۵ نفر دختر غیرفراری بودند. نمونه دختران فراری از زندان و مراکز نگهداری بهزیستی و دخترانی که یک بار سابقه فرار داشتند و تحویل به خانواده می‌شدند، انتخاب گردید و نمونه دختران غیرفراری با خصوصیات شبیه دختران فراری از دبیرستان‌های دخترانه منطقه ۶ تهران به‌طور تصادفی انتخاب شدند. نتایج به‌دست آمده بعد از انجام بررسی‌های لازم با استفاده از ۲ پرسشنامه (آزمون شخصیت ۱۶ عاملی کتل و پرسشنامه شرایط اجتماعی و اقتصادی) فرضیه اول را رد و فرضیه دوم را تأیید کرد.

واژه‌های کلیدی: نوجوانان، بزهکاری، دختران فراری، شخصیت، شرایط اجتماعی و اقتصادی

دوماهنامه علمی - پژوهشی

دانشگاه شاهد

سال دوازدهم - دوره جدید

شماره ۱۰

اردیبهشت ۱۳۸۴

مقدمه

پدیده فرار دختران از منزل که در طی سال‌های اخیر در جامعه رو به فزونی نهاده، از مقوله‌های آسیب اجتماعی است که مهار آن به مدیریت قوی اجتماعی و حضور مداخله جویانه در فرایند آسیب‌های اجتماعی نیازمند است. پرداختن به مبحث آسیب‌های اجتماعی، به ویژه در خصوص دختران و زنان آسیب دیده، بهره‌گیری از نگرشی را می‌طلبد که توانایی شناسایی

تار و پود ناسازگاری‌های اجتماعی را داشته باشد. در خصوص علل پدید آیی آسیب‌های اجتماعی، جامعه‌شناسان بیش‌تر عوامل اجتماعی را مد نظر قرار داده، معتقدند که اگر محیط‌های اجتماعی سالم و فرهنگ بالنده به وجود آید، خود به خود می‌توان مصونیت و پیشگیری قابل ملاحظه‌ای را در کاهش آسیب‌های اجتماعی به وجود آورد، پس عوامل اجتماعی، اقتصادی (Social & economic of factors) و...

در ایجاد آن‌ها تأثیر بسزایی دارد. ولی در کنار این عوامل، ویژگی‌های شخصیتی و انگیزه فردی نیز در ایجاد این معضل نقش بسیار مهمی بازی می‌کند که در این تحقیق به بررسی این موضوع نیز پرداخته شده است.

پدیده فرار (Runaway) دختران از منزل، یک معلول چند علتی است که ریشه‌های آن را می‌توان در فقر اقتصادی، از هم پاشیدگی خانواده، طلاق یا جدایی‌های عاطفی والدین، وجود ناپدری و نامادری، اعتیاد، رفاه و آزادی بیش از حد، دوستان ناباب، تعرض جنسی توسط نزدیکان، مشکل انضباطی و اخلاقی در خانواده، ازدواج‌های تحمیلی، ایجاد شکاف بین نسل‌ها و رابطه منفی و اختلافات بین والد و فرزند و... جستجو کرد. به‌طور کلی نوجوانان در دوران بلوغ در شرایط خاص عاطفی قرار دارند و هویتشان در حال شکل‌گیری است و در صدد حل بحران هویت خود هستند. این بحران نوجوان را دچار حیرت و سرگشتگی می‌کند و ممکن است اطرافیان، او را مزاحم و غیرقابل تحمل بدانند. لذا برای نجات از این شرایط به دنبال مأمّن و پناهگاهی سرگردان می‌شود. کم‌تجربگی این نوجوانان در اکثر موارد موجب می‌شود که طعمه گروه‌های آسیب‌زا شده، پس از اغفال، ناخواسته به سوی فحشا، مواد مخدر و دیگر بزه‌های اجتماعی منحرف شوند.

فرار، نوعی رفتار سازش‌نا یافته است که در فرایند آن، کودک یا نوجوان به‌منظور رهایی از مشکلات موجود در خانه یا به خاطر جاذبه‌های بیرون از خانه، بدون اجازه والدین یا سرپرست قانونی خود، آگاهانه خانه را ترک می‌کند و سریعاً بدون واسطه به خانه بر نمی‌گردد. رفتار فرار بالاخص با بی‌ثباتی و ارتباط خانوادگی ضعیف و بدرفتاری با فرزندان همراه است. این عوامل باعث اختلاف و گسیختگی پیوند بین والدین و فرزندان می‌شود. در این‌جا نوجوان محیط خانه را تهدیدآمیز می‌داند و با توجه به قرار گرفتن در سن نوجوانی، احساس بیگانگی کرده، به رفتارهای سازش‌نا یافته رو می‌آورد.

در کنار عوامل زمینه‌ساز فرار، ویژگی‌های شخصیتی (Personality traits) و فردی فرد نیز سهم بسزایی در فرار دارند. پدیده فرار از منزل به دلیل عدول از اعتدال در هیجان و بروز احساس ناامنی در فرد حادث می‌شود. با این‌که دختران فراری از دو طیف مرفه و فقیرند و بعضاً عادات و رفتارهای متمایز دارند ولی غالباً از منش‌ها، اصطلاحات کلامی و پوشش‌های ویژه استفاده می‌کنند. تحقیقات نشان داده که این افراد در مقایسه با افراد غیرفراری، افرادی با ریسک بالا (High risk) هستند و غالباً تلقین‌پذیرند و اکثر آن شخصیت‌های ضداجتماعی (Anti social personality) دارند. آن‌ها غالباً احساس حقارت و ناامنی می‌کنند و خود پنداره (Self concept) منفی دارند [۱]. همچنین برخی از ویژگی‌های شخصیتی می‌تواند پیش‌بینی‌کننده فرار از منزل باشد که از آن جمله می‌توان به روان‌آزردگی (Neurosis) اشاره کرد. در بیش‌تر این افراد، افسردگی، میل به خودکشی، اختلال عدم توجه (Attention deficit disorder) و اضطراب یافت شده است و برخی از آن‌ها دارای شخصیت ضداجتماعی هستند. DSM.IV پدیده فرار را جزء اختلالات رفتاری (Conduct disorder) قرار داده و آن‌ها را تحت عنوان تیپ پرخاشگرانه نارس اجتماعی طبقه‌بندی کرده است [۲].

پلیس روزانه ۹۰ نفر از جوانان فراری را که قربانی تجاوز و غیره شده‌اند دستگیر می‌کند. اکثر این جوانان در ترمینال‌ها، ایستگاه‌های راه آهن، پارک‌ها و... به‌سر می‌برند [۳]. دامنه سنی این افراد بین ۱۲ تا ۱۹ سال است [۴]. انجمن پزشکی نوجوانان (Society for Assescent Medicine) جوانان فراری را به چندین گروه - که ممکن است با یکدیگر همپوشی داشته باشند - تقسیم کرده است که عبارتند از: (۱) فراری‌های موقعیتی (Situational runaways) که بعد از یکی دو روز به خانه برمی‌گردند، (۲) فراری‌هایی که به مدت طولانی خانه را ترک گفته، تبدیل به فراری‌های کهنه‌کار و بچه‌های خیابانی می‌شوند، (۳) رانده شده‌ها (Throwaway) که والدین آن‌ها را طرد و مجبور به ترک خانه می‌کنند،

یک برنامه‌ریزی صحیح در جهت رفع این معضل گام برداشت. در رابطه با دختران فراری در ایران تحقیقات مختلفی انجام شده، ولی در بیش‌تر این تحقیقات از دیدگاه جامعه‌شناسی به پدیده فرار دختران نگریده شده و از دیدگاه روان‌شناختی تحقیقی در این زمینه صورت نگرفته است. لذا تحقیق حاضر بر آن است که نقش عوامل روانی را نیز در بروز این پدیده بررسی کند. به عبارت دیگر، هدف اصلی این تحقیق، بررسی نقش مؤلفه‌های شخصیتی و شرایط اجتماعی و اقتصادی در ایجاد این پدیده است تا با تحلیل عوامل روانی و با توجه به نقش عوامل اجتماعی و اقتصادی در بروز این پدیده، بتوان طرحی برای پیشگیری از این آسیب ارائه داد.

فرایند روش‌شناختی

طرح پژوهش: پژوهش حاضر یک پژوهش علی - مقایسه‌ای (Ex post facto study) است.

جامعه مورد بررسی شامل دو دسته است: الف) دختران فراری ۱۵ تا ۲۵ ساله‌ای که در زندان‌ها و مراکز نگهداری سازمان بهزیستی به سر می‌برند و همچنین دخترانی که فقط یک بار سابقه فرار از منزل داشته و به خانواده‌اشان باز گردانیده شده‌اند، ب) دختران غیرفراری ۱۵ تا ۲۵ ساله‌ای که در دبیرستان‌های شهر تهران مشغول به تحصیل هستند.

نمونه آماری: در این پژوهش، تعداد ۴۵ نفر از دختران فراری مورد بررسی قرار گرفتند و برای این‌که گروه نمونه، معرف کامل دختران فراری باشد تعدادی از دختران فراری‌ای که در زندان اوین و کانون اصلاح و تربیت به سر می‌برند و دختران فراری‌ای که در مراکز مختلف بهزیستی شهر تهران (مرکز آصف، مرکز ارشاد و مرکز مداخله در بحران منطقه شمال تهران) اقامت داشتند و افرادی که فقط یک بار از منزل فرار کرده، به خانه باز گردانیده شده بودند، انتخاب شدند. از آن‌جا که تعدادی جامعه مورد بررسی تقریباً محدود بود، تمام افراد جامعه، مورد مطالعه قرار گرفتند. از طرفی تعداد ۴۵ نفر از دختران غیرفراری در دبیرستان‌های منطقه ۶ تهران - با

۴) جوانان سازمان یافته (System youths) که به دلیل فقدان خانواده در پرورشگاه‌ها و مؤسسات زندگی می‌کنند و به دلیل عدم تحمل شرایط آن‌جا، فرار می‌کنند. بنابراین پدیده فرار - همان‌طور که اشاره شد - یک معلول چند علتی است که شرایط اقتصادی و اجتماعی نامناسب از یک طرف و ویژگی‌های شخصیتی فرد از طرف دیگر در بروز آن تأثیرگذار است. پدیده فرار در سال‌های اخیر در کشور ما مخصوصاً در شهرهای بزرگ و صنعتی رو به فزونی گذاشته است. آمارهای ارائه شده از سوی مسئولین، معرف این واقعیت تلخ است که روزانه در تهران دختران زیادی از منزل فرار کرده، به خیابان‌ها پناه می‌آورند. تحقیقات انجام شده در این زمینه بیش‌تر با نگرش جامعه‌شناختی بوده و لذا در این تحقیق سعی شده با یک نگاه دیگر، مخصوصاً از زاویه دیدگاه روان‌شناختی به پدیده فرار دختران نگریده شود و با تحلیل‌های دانش‌روانشناختی، اقدامات عملی در جهت کاهش این پدیده پیشنهاد گردد. تحقیق حاضر در پی آن است تا به بررسی ویژگی‌های شخصیتی، شرایط اجتماعی و اقتصادی این افراد بپردازد. در راستای تحقق این هدف و با در نظر گرفتن تحقیقات پیشین در قلمرو موضوع مورد بررسی، فرضیه‌های آتی تدوین گردیده است: ۱) نیم‌رخ شخصیتی دختران فراری متفاوت از دختران غیرفراری است؛ ۲) شرایط اجتماعی و اقتصادی دختران فراری متفاوت از دختران غیرفراری است.

اهداف

پدیده فرار دختران از منزل یک آسیب اجتماعی است و عدم‌مقابله مناسب با این پدیده، پیامدها و عواقب ناگواری برای فرد و اجتماع به‌دنبال دارد. از طرفی، نوجوانان، سرمایه‌های ملی هر جامعه هستند که در صورت به هرز رفتن، خسارتی جبران‌ناپذیر بر پیکره جامعه وارد می‌شود. لذا شیوع و بالا رفتن میزان فرار دختران از منزل و در نتیجه تهدید ارکان جامعه، بررسی همه‌جانبه این معضل را می‌طلبد و ضروری است تا با

- I حساسیت هیجانی - زمختی رشد یافتگی
 L گسیخته‌خویی پارانویاگونه - در دسترس بودن اعتمادآمیز
 M کولی‌گری - رغبت‌های عملی
 N ظرافت کاری - سادگی بی‌ظرافت
 O بی‌اعتمادی اضطراب‌آمیز - اعتماد توأم با آرامش
 Q1 بنیادگرایی - محافظه‌کاری
 Q2 خودکفایی - ناتوانی در اخذ تصمیم
 Q3 مهارکردن اراده و پایداری خلق و خو
 Q4 تنش عصبی

۲. پرسشنامه بخش شرایط اقتصادی- اجتماعی

برای به دست آوردن اطلاعات لازم در مورد شرایط اقتصادی، اجتماعی افراد مورد مطالعه در این تحقیق از پرسشنامه محقق ساخته مربوط به طرح بررسی «عوامل فرار دختران» که توسط مؤسسه تحقیقات علوم جزایی و جرم‌شناسی تهیه و تنظیم شده بود- با اصلاح و حذف سؤالات- استفاده شد.

روش‌های آماری: در این پژوهش از روش‌های آمار توصیفی (فراوانی، میانگین، درصد و...) و آزمون آماری کای دو، و «تی» مستقل برای مقایسه میانگین‌های دو گروه استفاده شده است.

نتایج

بررسی داده‌های جمعیت‌شناختی حاصل از پرسشنامه ویژگی‌های فردی نشان می‌دهد که:

دامنه سنی: دامنه سنی دختران فراری و غیرفراری بین ۱۵ تا ۲۴ سال است که در این دامنه سنی، ۱۷ سالگی بیش‌ترین درصد (۲۲ درصد) را به خود اختصاص داده است. در واقع سنین ۱۶، ۱۷ و ۱۸ بیش از ۵۵ درصد گروه نمونه را تشکیل می‌دهد. چون دختران غیرفراری از لحاظ سن با دختران فراری همسان شده‌اند، لذا تفاوتی بین دو گروه از لحاظ سن وجود ندارد.

وضعیت تأهل: ۹۱ درصد دختران فراری و ۹۷ درصد غیرفراری‌ها مجرد بودند.

استفاده از روش تصادفی چند مرحله‌ای - انتخاب شدند. علت انتخاب منطقه ۶ معرف بودن این منطقه از لحاظ ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی در شهر تهران است. سعی شد این گروه از لحاظ متغیرهای دموگرافی، مثل سن، سطح تحصیلات و ... با گروه آزمایش هم‌تا باشند.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات

با توجه به موضوع مورد بررسی در این پژوهش از ابزار زیر استفاده شده است:

۱. آزمون ۱۶ عاملی شخصیتی کتل

این آزمون در شمار آزمون‌هایی است که اولاً کلیه سؤالات آن از لحاظ عواملی که می‌خواهند اندازه‌گیری‌کننده اشباع است و ثانیاً هر کدام از عوامل با عوامل نخستین شخصیت مطابقت می‌کند. آزمون ۱۶ عاملی شخصیت در ۵ فرم A تا E منتشر شده که فرم A آن در دانشگاه تهران توسط منصور و دادستان هنجاریابی شده است. در پژوهش حاضر از فرم E آن که در سطح مهارت خواندن سؤالات آن به میزان قابل توجهی کاهش یافته، استفاده شده است. تحقیقات بیانگر آن هستند که فرم E همان خصیصه‌های شخصیت فرم‌های دیگر آزمون ۱۶ عاملی را اندازه‌گیری می‌کند. این آزمون از حداکثر اعتبار و روایی برخوردار بوده، برای آن، هنجارهایی به تفکیک جنس و ترکیبی از دو جنس ارائه شده است. نمرات هنجاری ۱۰ باریکی و دامنه بارک‌ها تا ۱۰ و میانگین نمرات ۵/۵ با انحراف استاندارد ۲ برای جمعیت بهنجار است [۵].

- A ادواری خویی - گسیخته‌خویی
 B هوش عمومی - نارسایی عقلی
 C پایداری هیجانی - نوروژگرای عمومی
 E سلطه یا استیلا - اطاعت، تسلیم
 F برونگردی - نابرونگردی
 G خلق استوار - خلق نارس و وابسته
 H ادوارخویی متهورانه - گسیخته‌خویی اساسی

اختلاف بین والدین: ۵۳ درصد از والدین دختران فراری با یکدیگر اختلاف داشته‌اند، در حالی که نسبت اختلاف بین والدین دختران غیر فراری ۱۳ درصد بوده است.

تعداد خواهر و برادر: ۴۰ درصد از دختران فراری، دو و سه خواهر و ۴۷ درصد از دختران غیر فراری یک خواهر دارند که در مقایسه با دختران غیر فراری، دختران فراری تعداد خواهران بیش تری دارند. در مورد تعداد برادر نیز ۴۰ درصد از دختران فراری و ۳۶ درصد از دختران غیر فراری، یک برادر دارند.

اعتماد والدین به مواد مخدر: پدران ۲۷ درصد از دختران فراری معتاد بوده‌اند، در حالی که هیچ کدام از پدران دختران غیر فراری اعتماد نداشته‌اند.

تنبیه پدر و مادر: ۳۸ درصد از پدران و ۳۶ درصد از مادران دختران فراری و ۱۳ درصد از پدران و ۲۰ درصد از مادران دختران غیر فراری فرزندانشان را زیاد تنبیه می‌کرده‌اند.

بی‌اعتنایی والدین: ۴۲ درصد از دختران فراری و ۲۵ درصد از دختران غیر فراری گزارش داده‌اند که والدینشان در زندگی نسبت به آن‌ها بی‌اعتنایی و بی‌توجهی زیاد نشان داده‌اند.

درگیری و اختلاف با والدین: ۳۶ درصد از دختران فراری و ۲ درصد از دختران غیر فراری دائماً با والدین خود اختلاف و درگیری داشته‌اند.

سخت‌گیری و کنترل زیاد والدین: ۳۳ درصد از دختران فراری و ۷ درصد از دختران غیر فراری گزارش داده‌اند که والدینشان نسبت به آن‌ها سخت‌گیری و کنترل زیاد داشته‌اند.

میزان وابستگی به خانواده: از میان دختران فراری ۳۳ درصد هیچ وابستگی به خانواده‌شان نداشته‌اند و البته ۲۴ درصد به میزان کم و ۲۴ درصد نیز به میزان زیاد نسبت به خانواده‌شان وابستگی داشته‌اند. در مورد بقیه، میزان وابستگی در حد متوسط بوده و ۹ درصد به میزان کم به خانواده‌شان وابستگی داشته‌اند. در کل، میزان وابستگی دختران فراری به خانواده نسبت به دختران غیر فراری در حد کم است.

در قید حیات نبودن والدین: از ۴۵ نفر دختر فراری، ۲۶ درصد پدرانشان و ۲۶ درصد مادرانشان در قید حیات نبودند در صورتی که ۴ درصد از دختران غیر فراری پدرانشان را از دست داده‌اند و هیچ کدام از آن‌ها مادرانشان را از دست نداده بودند.

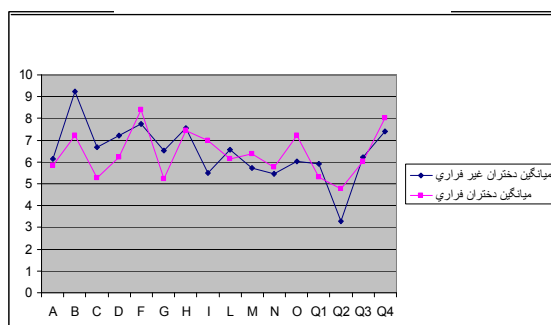
نوع زندگی کردن والدین: در مورد ۳۵ درصد از دختران فراری، والدین از یکدیگر جدا شده بودند، در حالی که فقط ۲ درصد از والدین دختران غیر فراری از یکدیگر جدا شده‌اند.

ازدواج مجدد والدین: ۳۵ درصد از والدین دختران فراری از یکدیگر جدا شده‌اند، در حالی که فقط ۲ درصد از پدران دختران غیر فراری ازدواج مجدد کرده‌اند و هیچ کدام از مادران دختران غیر فراری ازدواج مجدد نکرده‌اند.

تحصیلات: ۶۶ درصد از پدران دختران فراری، تحصیلات ابتدایی و متوسط دارند. به عبارت دیگر، بیش از نیمی از پدران دختران فراری تحصیلات متوسطه و زیر متوسطه دارند، در حالی که ۴۰ درصد از پدران دختران غیر فراری دیپلم و ۲۶ درصد لیسانس هستند. در زمینه تحصیلات مادر نیز ۳۵ درصد از مادران دختران فراری تحصیلات ابتدایی و ۳۵ درصد از مادران دختران غیر فراری تحصیلات متوسطه دارند. در زمینه تحصیلات خود آزمودنی، ۴۴ درصد تحصیلات متوسطه، ۳۶ درصد تحصیلات راهنمایی، و ۱۳ درصد تحصیلات ابتدایی داشتند و ۴ درصد هم بیسواد بودند.

شغل والدین: ۴۶ درصد از پدران دختران فراری شغل آزاد داشته‌اند، در حالی که پدران ۴۲ درصد از دختران غیر فراری کارمند بوده و در این شغل نسبت دختران غیر فراری بیش تر بوده است. در مورد شغل مادر نیز بیش تر مادران هر دو گروه خانه‌دار بوده‌اند و نسبت دختران فراری یعنی ۷۷ درصد در مقابل ۶۴ درصد (دختران غیر فراری) در این زمینه بیش تر بوده است. از لحاظ مشاغل خارج از منزل، ۲۶ درصد از مادران دختران غیر فراری فرهنگی بوده‌اند، در حالی که چنین مشاغلی در مادران دختران فراری مشاهده نشد.

نتایج حاصل از جدول ۳ نشان می دهد که دو گروه مورد بررسی در ۸ عامل شخصیتی با یکدیگر متفاوتند که این ۸ عامل عبارتند از: عوامل Q2، O، I، H، G، E، C، B. در عامل های Q2، O، I دختران فراری نمرات بالاتری نسبت به دختران غیر فراری کسب کرده اند و در عامل های H، G، E، C، B دختران فراری نمرات بالاتری به دست آورده اند.



نمودار ۱ نیمرخ روانی دختران فراری و غیر فراری

دختران غیر فراری مربوط به عامل B (۹/۲۴) است. کم ترین نمره در دختران فراری مربوط به عوامل Q2 (۴/۷۶) و در دختران غیر فراری مربوط به عامل Q2 (۳/۲۹) است.

داده‌های مربوط به فرضیه‌ها

فرضیه پژوهشی اول: «نیمرخ شخصیتی دختران فراری متفاوت از دختران غیر فراری است».

برای آزمون این فرضیه، ابتدا نمرات آزمودنی‌های هر دو گروه در ۱۶ عامل شخصیت بررسی و با استفاده از آزمون «تی» مستقل، تفاوت میانگین از لحاظ آماری بررسی شد. نتایج مربوط به این فرضیه در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳: «تی» مستقل برای مقایسه میانگین‌های دو گروه دختران فراری و غیر فراری در آزمون ۱۶ عاملی شخصیت

عوامل شخصیتی	شاخص	میانگین نمرات		اختلاف میانگین‌ها	«تی» مشاهده شده	سطح معنادار بودن
		دختران غیر فراری	دختران فراری			
A	ادوار خوبی - گسیخته خوبی	۶/۱۳	۵/۸۴	-۲۹	۰/۹۸	۱/۳۳
B	هوش عمومی - نارسایی عقلی	۹/۲۴	۷/۲۲	-۲/۰۲	-۴/۹۸	۰/۰۱
C	پایداری هیجانی - نوروگرایی عمومی	۶/۶۷	۵/۲۷	-۱/۴	-۲/۶۴	۰/۰۱
D	سلطه یا استیلا - اطاعت، تسلیم	۷/۲۲	۶/۲۲	-۱	-۲/۲۱	۰/۰۳
F	برونگردی - نابرونگردی	۷/۷۶	۸/۳۸	-۰/۳۸	-۰/۶۷	۰/۵۰۶
G	خلق استوار - خلق نارس و وابسته	۶/۵۱	۵/۲۲	-۱/۳	-۲/۹۸	۰/۰۰۴
H	ادوار خوبی مهورانه - گسیخته خوبی اساسی	۷/۵۶	۷/۴۴	-۱/۱	-۲/۰۴	۰/۰۴
I	حساسیت هیجانی - زمختی رشد یافتگی	۵/۵۱	۷	۱/۴۹	۳/۹۷	۰/۰۱
L	گسیخته خوبی پارانو یا گونه - در دسترس بودن اعتماد آمیز	۶/۵۶	۶/۱۶	-۰/۴	-۱/۱۱	۰/۲۷
M	کولی‌گری - رغبت‌های عملی	۵/۷۱	۶/۳۶	۰/۶۴	۱/۶۷	۰/۰۹
N	ظرافت کاری - سادگی بی ظرافت	۵/۴۴	۵/۷۸	۰/۳۳	۰/۸۹	۰/۳۸
O	بی اعتمادی اضطراب آمیز - اعتماد توأم با آرامش	۶/۰۴	۷/۲۰	۱/۱۵	۲/۷۹	۰/۰۰۶
Q1	بنیادگرایی - محافظه کاری	۵/۹۳	۵/۲۹	-۰/۶۴	-۱/۵۴	۰/۱۳
Q2	خودکفایی - ناتوانی در اخذ تصمیم	۳/۲۹	۴/۷۶	۱/۴۷	۳/۱۱	۰/۰۰۶
Q3	مهار کردن اراده و پایداری خلق و خو	۶/۲۴	۶/۰۲	-۰/۲۲	-۰/۶۲	۰/۵۳
Q4	تنش عصبی	۷/۴۲	۸	۰/۵۸	۱/۰۳	۰/۳۱

جدول ۴: مقایسه وضعیت دو گروه دختران فراری و غیرفراری و سطح معناداری آن‌ها در شرایط اجتماعی

سطح معنادار بودن	کای دو	درجه آزادی	متغیرهای شرایط اجتماعی
۰/۰۱	۸/۴۹	۲	(۱) در قید حیات نبودن پدر
۰/۰۰۱	۱۴/۵۷	۲	(۲) در قید حیات نبودن مادر
۰/۰۰۱	۲۴/۸۶	۲	(۳) زندگی کردن والدین با هم
۰/۰۰۴	۱۳/۵	۲	(۴) ازدواج مجدد پدر
۰/۴۹	۱/۳۹	۲	(۵) ازدواج مجدد مادر
۰/۰۰۱	۲۵/۰۴	۶	(۶) تحصیلات پدر
۰/۰۰۱	۲۴/۴۷	۶	(۷) تحصیلات مادر
۰/۰۶	۱۳/۷	۷	(۸) شغل پدر
۰/۰۰۱	۲۱/۲۳	۵	(۹) شغل مادر
۰/۰۰۱	۲۴/۴۳	۲	(۱۰) اختلاف والدین
۰/۰۰۴	۱۹/۲۳	۶	(۱۱) تعداد خواهر
۰/۰۰۲	۱۵/۳۷	۵	(۱۲) تعداد برادر
۰/۰۰۱	۱۳/۸	۱	(۱۳) اعتیاد والدین
۰/۰۱۱	۶/۴	۱	(۱۴) انحراف والدین
۰/۰۲	۲/۸	۲	(۱۵) تنبیه پدر
۰/۰۰۴	۱۰/۸	۲	(۱۶) تنبیه مادر
۰/۰۰۱	۲۰/۸۲	۱	(۱۷) بی‌اعتنایی والدین
۰/۰۰۱	۱۶/۳۱	۱	(۱۸) درگیری و اختلاف با والدین
۰/۰۰۲	۱۰	۱	(۱۹) سخت‌گیری و کنترل والدین
۰/۰۰۱	۳۲/۳۸	۶	(۲۰) میزان وابستگی به خانواده
۰/۰۱۴	۱۷	۳	(۲۱) وسایل ارتباط جمعی
۰/۰۰۳	۸/۹	۱	(۲۲) تقلید از هنرپیشه
۰/۰۱۱	۱۱/۱۸	۳	(۲۳) الگوگیری از گروه‌ها

نتایج حاصل از جدول ۴ و ۵ نشان می‌دهد که بین دختران فراری و غیرفراری در تمام متغیرهای مربوط به شرایط اجتماعی - به استثنای عامل ازدواج مجدد مادر و شغل پدر- و تمام متغیرهای مربوط به شرایط اقتصادی تفاوت معنادار به دست آمد. به عبارت دیگر می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه دوم تأیید می‌گردد.

فرضیه دوم پژوهشی: «شرایط اجتماعی و اقتصادی دختران فراری متفاوت از دختران غیرفراری است».

برای آزمون این فرضیه، از بین عوامل اجتماعی، ۲۳ عامل و از میان عوامل اقتصادی ۸ عامل انتخاب گردید و فراوانی دو گروه در این عوامل محاسبه شد. آنگاه با استفاده از آزمون همخوانی کای دو، اختلاف دو گروه بررسی گردید. نتایج مربوط به این فرضیه در جدول ۴ و ۵ آمده است.

جدول ۵: مقایسه میانگین‌های دو گروه و سطح معناداری آن‌ها در شرایط اقتصادی

متغیرهای شرایط اقتصادی	درجه آزادی	کای دو	سطح معنادار بودن
(۱) میزان درآمد پدر	۵	۱۸/۹۵	۰/۰۰۴
(۲) میزان درآمد مادر	۵	۱۳/۱۷	۰/۰۲
(۳) فقر و بیکاری پدر	۱	۶/۰۴	۰/۰۱
(۴) برآورده شدن خواسته‌های مادی	۲	۹/۸۶	۰/۰۰۷
(۵) داشتن یا نداشتن پول توجیبی	۲	۹/۸	۰/۰۳
(۶) میزان پول توجیبی	۶	۱۹/۸	۰/۰۰۳
(۷) داشتن یا نداشتن مسکن شخصی	۱	۳/۹۷	۰/۰۴۶
(۸) میزان رضایت از سلامتی، تغذیه، مسائل مالی، لباس و پوشاک، مسکن	۳	۱۷/۲	۰/۰۰۸

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که از ۱۶ عامل شخصیتی، تفاوت بین دو گروه در ۸ عامل (Q₂, O, I, H, G, E, C, B) معنادار به دست آمد و در ۸ عامل دیگر اگر چه تفاوت میانگین‌ها قابل ملاحظه است، ولی از لحاظ آماری معنادار نیست. دختران فراری در عامل‌های F (درونگری - برونگردی)، M (کولی‌گری - رغبت‌های عملی)، N (ظرافتکاری - سادگی بی‌ظرافت) و Q₄ (تنش عصبی) نمرات بالاتری کسب کرده‌اند و دختران غیرفراری در عامل‌های A (ادواری خوبی - گسیخته خوبی)، L (گسیخته خوبی پارانویا - در دسترس بودن اعتمادآمیز)، Q₁ (بنیادگرایی - محافظه کاری) و Q₃ (مهار کردن اراده و پایداری خلق و خو) نمرات بالاتری به دست آورده‌اند.

در عامل B (هوش عمومی - نارسایی عقلی) بین دو گروه تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، دختران غیرفراری گروه نمونه، در دبیرستان مشغول به تحصیل بودند، در حالی که بیش از نیمی از دختران فراری تحصیلات راهنمایی و زیر راهنمایی داشتند. به سخن دیگر به دلیل محدودیت تحقیق، دو گروه از لحاظ شناختی و هوش در یک سنخ انتخاب نشدند. لازم به ذکر است که در اکثر تحقیقاتی که صورت گرفته نتایج حاکی از این است که در بین دختران فراری افرادی با هوش پایین، عقب‌ماندگی ذهنی و ناتوانی

یادگیری به وفور دیده می‌شود. از طرف دیگر، معمولاً دختران فراری که دستگیر شده‌اند از سطح هوشی پایینی برخوردارند. در عامل C (پایداری هیجانی یا نیرومندی من - نوروگرایی) بین دو گروه تفاوت معنادار به دست آمد که در این راستا دختران غیرفراری نمرات بالاتری به دست آورده‌اند. اگر چه هر دو گروه متمایل به قطب نوروگرایی هستند، ولی نمرات دختران غیرفراری در جهت گرایش به پایداری، بیانگر سطح نوروگرایی کم‌تر آن‌ها نسبت به دختران فراری است. به طور کلی نوروگرایی عمومی در دختران فراری بیش‌تر است. نوروگرایی بیانگر، فقر توحید یافتگی شخصیت، ضعف من و انعطاف‌ناپذیری زیاد است. این افراد به راحتی از چیزها یا اشخاص کسل می‌شوند و از موقعیت خود و خانواده‌شان و محدودیت زندگی ناراضی هستند که این ویژگی‌ها در دختران فراری بارزتر است. در عامل E (سلطه یا استیلا - اطلاعات و تسلیم) نیز بین دو گروه تفاوت معنادار وجود دارد و دختران غیرفراری در این عامل، نمرات بالاتری به دست آوردند. به عبارتی دختران غیرفراری از لحاظ سلطه و استیلا در سطح بالاتری نسبت به دختران فراری قرار دارند و دختران فراری از لحاظ اطاعت و تسلیم نمره بالاتری کسب کردند. دختران فراری علی‌رغم این‌که ظاهراً مستقل به نظر می‌رسند (به دلیل اقدام به فرار)، ولی در واقع منفعل و وابسته‌اند، بالاخص در

موقعیت‌های تصادفی و غیرمنتظره [۲] و با این که ظاهراً دم از دل و جرأت داشتن می‌زنند، ترسو و ناایمن هستند و نه تنها از نظر تحصیلی و شغلی، بلکه از نظر اجتماعی و ارتباطی خود را بی‌کفایت می‌دانند [۲]. تحقیقات اخیر توسط کانر [۶] نشان می‌دهد که یکی از انگیزه‌های فرار در این دختران، بودن در کنار افرادی است که از آن‌ها حمایت کنند و تکیه‌گاه و مشوق آن‌ها در زندگی باشند.

در عامل G (خلق استوار - خلق نارس و وابسته) بین دو گروه تفاوت معناداری وجود دارد و دختران غیرفراری در این عامل نمره بالاتری کسب کرده‌اند که نشان می‌دهد دختران غیرفراری نسبت به دختران فراری از خلق استوارتری برخوردارند. خلق استوار بیسانگر خلق فردی است که خود را از نظر اخلاقی درست و پاسدار آداب و اصول اخلاقی می‌داند، دارای پشتکار و پیش‌بینی است، می‌تواند خود را متمرکز سازد، دوست دارد دیگران را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد، محتاط است و مصاحبت با اشخاص کارآمد را بر دیگران ترجیح می‌دهد، که از این لحاظ دختران فراری ضعیف هستند.

در عامل H (ادواری خوبی متهورانه - گسیخته خوبی) بین دو گروه تفاوت معناداری وجود دارد و دختران غیرفراری در این عامل نمرات بالاتری به دست آورده‌اند. به عبارتی، دختران غیرفراری بیش تر گرایش به ادواری خوبی متهورانه دارند و دختران فراری بیش تر به سمت گسیخته خوبی گرایش دارند. به‌طور کلی، عامل H و A دو عامل روان گسیختگی هستند و نتایج حاصل در عامل H و A هر دو حاکی از گرایش دختران فراری به روان گسیختگی است و تمایلات این گروه به فرار از مواجهه با موقعیت‌ها نیز می‌تواند به همین دلیل باشد.

در عامل I (حساسیت هیجانی - زمختی رشد یافتگی) نیز بین دو گروه تفاوت معناداری به دست آمد، اما در این جا دختران فراری نمره بالاتری به دست آورده‌اند. به عبارت دیگر، دختران فراری نسبت به

دختران غیرفراری بیش تر گرایش به حساسیت هیجانی دارند. حساسیت هیجانی شامل مؤلفه‌هایی چون متوقع و ناشکیبا بودن، وابسته و نارس بودن، و علاقه به مسافرت و تجارب جدید است که این نتیجه در مورد دختران فراری، قابل انتظار بود و این عامل با عامل G از لحاظ خلق نارس و وابسته همخوانی دارد.

در عامل O (بی‌اعتمادی اضطراب‌آمیز - اعتماد توأم با آرامش) بین دو گروه تفاوت معنادار به دست آمد و دختران فراری نمره بالاتری در این عامل نسبت به دختران غیرفراری به دست آوردند. به عبارتی، دختران فراری گرایش بیش تری به بی‌اعتمادی اضطراب‌آمیز دارند تا دختران غیرفراری. افرادی که در عامل بی‌اعتمادی اضطراب‌آمیز نمره بالاتر دارند آزار دیده و مضطرب هستند، پشیمانی، یأس‌هایی را در آن‌ها برمی‌انگیزاند و آن‌ها را در ایجاد هراس و نشانه‌های ضعف روانی کمک می‌کند. این عامل، تحت عناوینی از جمله «تمایل به افسردگی»، «خلق غمگین»، «حساسیت هیجانی» و «بی‌ارزش شمردن خود» آورده شده است؛ عناوینی که هر کدام می‌تواند در مورد دختران غیرفراری صدق پیدا کند، زیرا همچنان که تحقیقات نشان می‌دهد عزت نفس دختران فراری پایین و افسردگی شدید و اقدام به خودکشی در آن‌ها بالا است [۷]. دختران فراری غالباً از خانواده‌های از هم گسیخته و آشفته هستند؛ خانواده‌هایی که اعضای آن، درجاتی از اضطراب و آشفتگی را تجربه کرده‌اند، در گذشته آن‌ها حوادث ناگوار زیاد اتفاق افتاده و چنین حوادثی باعث افسردگی معناداری در آن‌ها می‌شود و این با نشانگانی از جمله اضطراب، اختلال رفتاری، اختلال گسستی و ترس از دیگران به ویژه مردان همراه است [۲].

در عامل Q₂ (خودکفایی - ناتوانی در اخذ تصمیم) تفاوت معناداری بین دو گروه به دست آمد که در این راستا، دختران فراری نمره بالاتری نسبت به دختران غیرفراری کسب کرده‌اند. به عبارت دیگر، دختران فراری نسبت به دختران غیرفراری بیش تر به سمت

توجیبهی برخوردارند کم تر از دختران غیر فراری است. از طرفی، میزان این پول توجیبهی در دختران فراری کم تر از دختران غیر فراری است. از لحاظ داشتن مسکن شخصی نیز بین دو گروه تفاوت معنادار وجود دارد و در این خصوص، دختران غیر فراری بیش تر از مسکن شخصی برخوردارند تا دختران فراری.

در بعد متغیرهای اجتماعی نتایج نشان داد که در متغیرهای زیر تفاوت معناداری بین دختران فراری و غیر فراری وجود دارد:

«در قید حیات بودن والدین»: فراوانی دختران فراری ای که فاقد والدین هستند بیش تر از دختران غیر فراری است.

«با هم زندگی کردن والدین»: فراوانی دختران فراری از لحاظ جدایی والدین بیش تر از دختران غیر فراری است. از طرفی از لحاظ «ازدواج مجدد پدر» تفاوت معنادار در سطح $0/004$ بین دو گروه به دست آمد. به عبارت دیگر تعداد دختران فراری ای که پدرشان ازدواج مجدد کرده اند بیش تر از دختران غیر فراری است و در نتیجه 20 درصد دختران فراری مورد مطالعه دارای نامادری هستند.

«اختلاف والدین با یکدیگر»: در این زمینه، تفاوت معناداری بین دو گروه مقایسه به دست آمد و والدین حدود بیش از یک دوم از دختران فراری با یکدیگر اختلاف داشتند، در حالی که کم تر از یک هفتم دختران غیر فراری با چنین مشکلی روبه رو بودند.

«تحصیلات والدین»: میزان تحصیلات والدین دختران فراری پایین تر از دختران غیر فراری است.

«شغل مادر»: در این بعد نیز تفاوت معناداری در سطح $0/001$ به دست آمد. به عبارت دیگر، غیر از خانه داری، بیش تر مادران دختران غیر فراری، فرهنگی هستند.

«تعداد خواهر و برادر»: نتایج نشان می دهد حداکثر خواهران دختران فراری 6 نفر و در دختران غیر فراری 4 نفر است. از طرفی، تعداد برادران دختران فراری بیش تر از دختران غیر فراری است و می توان نتیجه گرفت که

خودکفایی گرایش دارند. یکی از مشخصه های خودکفایی این است که فرد عادت دارد خود را به تنهایی راهبری کند، بدون آن که در رابطه خود با دیگران سلطه جو باشد که در این جا، ویژگی عدم سلطه جویی، علی رغم خودکفایی فرد با عامل E که سلطه جویی است همخوانی دارد. البته نتایج حاصل در این عامل، بیانگر خودکفایی این افراد نیست، بلکه نشان می دهد در مقایسه با گروه دختران غیر فراری بیش تر به خودکفایی گرایش دارند.

به طور کلی نتایج به دست آمده از آزمون شخصیت کتل نشان می دهد گرایش دختران فراری در مقایسه با دختران غیر فراری بیش تر در جهت پایین بودن هوش، نوروژگرای، خلق نارس و وابسته، اطاعت و تسلیم، گسیخته خوئی، حساسیت هیجانی، بی اعتمادی اضطراب آمیز و خودکفایی است.

نتایج مربوط به فرضیه دوم پژوهشی نیز نشان داد. برای بررسی شرایط اجتماعی دختران فراری و غیر فراری 12 متغیر و برای بررسی شرایط اقتصادی 6 متغیر انتخاب گردید. به عبارت دیگر 18 متغیر در رابطه با این فرضیه مطرح شد. در مورد شرایط اقتصادی تفاوت در اغلب متغیرها معنادار به دست آمد و در مورد شرایط اجتماعی نیز تفاوت در اغلب متغیرها معنادار بود که به ترتیب در ذیل به هر کدام اشاره می شود.

نتایج حاصل از آزمون کای دو نشان می دهد که اولاً دو گروه از لحاظ میزان درآمد والدین، برآورده شدن خواسته های مادی، داشتن پول توجیبهی و میزان آن و داشتن مسکن شخصی تفاوت معنادار با یکدیگر دارند. نتایج حاصل در جدول 5 شرایط اقتصادی نشان می دهد که میزان درآمد والدین دختران فراری کم تر از دختران غیر فراری است، بین دو گروه از لحاظ برآورده شدن خواسته های مادی نیز تفاوت معنادار وجود دارد و خواسته های مادی دختران فراری کم تر از دختران غیر فراری برآورده شده است. از لحاظ داشتن پول توجیبهی باز هم تفاوت معنادار وجود دارد و همچنین تابع بیانگر این است که تعداد دختران فراری که از پول

است و از لحاظ سنی ۱۵ تا ۱۷ ساله‌اند که متوسط آن ۱۶ سال است.

در پایان می‌توان نتیجه گرفت که شرایط نامساعد زندگی اجتماعی و اقتصادی و گرایش به عوامل شخصیتی‌ای مثل نوروژگرای، هوش پایین، خلق نارس و وابسته، اطاعت و تسلیم، گسیخته‌خویی، حساسیت هیجانی، بی‌اعتمادی اضطراب‌آمیز و خودکفایی می‌تواند منجر به استفاده از شیوه مقابله‌ای فرار در مقابل مشکلات در افراد شود. البته در بروز این پدیده، عوامل متعدد دیگری نیز دخیل هستند که امید است در بررسی‌های بعدی، این عوامل شناسایی و در رفع آن‌ها گام‌های مؤثر برداشته شود.

منابع

۱. سعیدی، محمد (۱۳۷۲) بررسی علل فرار نوجوانان از خانه، تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
2. Lewis, M. (1991) Child and adolescent psychology a comprehensive text book, London, Kowkab publisher.
3. Scioline, E. (2000) Runaway youths a thrn in iran's chasle side, New York Times, New York, N.Y.No V5.
4. Gorgin, A. & Nagel, RC. (2000) Iran: Half way houses try to help runaway girl, The Iranian: News and views, 1-3.
۵. کراز، ژ (۱۳۶۸) بیماری‌های روانی. ترجمه پ. دادستان و م. منصور. ژرف.
6. Conner, M.C. (2001) Understanding and preventing teenage runaways, Chinal and Medical Psychologist Internet: WWW. Crisis counseling. Org.
7. Farrow, y & Deisher. R. & Brown, R&kulig, J. & kipke, M. (1992) Health and healt needs of homeless and runaway youth, Journal of Adolescent Health 13, 2-8.

خانواده دختران فراری پرجمعیت‌تر از دختران غیرفراری است.

به‌طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که بین دو گروه - به غیر از چند مورد - از لحاظ شرایط اقتصادی و اجتماعی تفاوت وجود دارد و این‌طور به نظر می‌رسد که دختران غیرفراری از لحاظ اقتصادی و اجتماعی وضعیت بهتری به‌سر می‌برند؛ شرایطی که می‌تواند تنیدگی‌زا باشد و بر شخصیت و شیوه مقابله افراد با عوامل تنیدگی‌زا و شرایط نامناسب زندگی تأثیر بگذارد.

از لحاظ نظری تأیید شده که ریشه بسیاری از کجروی‌ها را باید در محیط و شرایط اقتصادی و اجتماعی جستجو کرد. وقتی خواسته‌های فرد با انتظارات خانواده و جامعه هماهنگ نباشد نابهنجاری فرد آغاز می‌شود. یکی از ریشه‌های فرار را باید در فقر اقتصادی، طلاق یا جدایی‌های عاطفی والدین، رفاه و آزادی بیش از حد و... جستجو کرد. تحقیقات متعددی که در ایران و سایر کشورها در این زمینه صورت گرفته، مؤید این هستند که کمبود عاطفی، شرایط نامناسب زندگی در خانه به علت فوت یا جدایی یا ازدواج مجدد، فشارهای روانی ناشی از اختلاف والدین، سطح تحصیلات پایین والدین، درآمد پایین، جمعیت زیاد در خانواده، سردی عاطفی بین اعضا خانواده و... در بروز این پدیده تأثیر بسزا دارند. همچنین نتایج اکثر تحقیقات نشان می‌دهد که سطح تحصیل اکثر این دختران در حد راهنمایی و دبیرستان